

نسل کشی در فلسطین بیش از پیش چهره واقعی نظام سرمایه داری را نمایان کرده!

ناصر بابامیری

نزدیک به دو سال از این نسل کشی می گذرد. پاکسازی در چنین ابعاد دهشتناکی در فلسطین، مهر ننگینی است بر پیشانی دولت هایی که در پی منافع حقیر خود کر و لال شده اند.

اگر ما کمونیست ها می گوئیم «دمکراسی کالای بنجل بورژوازی بیش نیست»، اگر می گوئیم «دولت های مدافع دمکراسی بورژوازی دشمنان قسم خورده ی طبقاتی این سیستم گنبدیده ی سرمایه داری اند»، این یک حقیقت آشکار است. این دولت ها در هیئت میانجی میان جامعه و حاکمیت، تنها تا جایی مدافع دمکراسی بورژوایی هستند که منافع خودشان را تأمین کند. در غیر این صورت، به نفع دولت ها به تمام دستاوردهایی که نه محصول دمکراسی بورژوازی، بلکه حاصل مبارزه و تلاش تاریخی کارگران و سوسیالیست ها است و برایش هزینه های سنگینی داده شده، تعرض کرده و همان دمکراسی نیم بند بورژوازی را هم به مسلخ می برند. پاکسازی جنایتکارانه در فلسطین به خوبی نشان داد که چطور چهره ی واقعی دولت ها، نهادها و ارگان های وابسته به آن ها و تمام شیادان دمکراسی خواه عریان می شود. از همه ی منافذ این دولت ها و سازمان های وابسته شان تا هواداران دمکراسی بورژوایی، چرک و کثافت بیرون می ریزد.

در میانه ی این پاکسازی دهشتبار، شاهد بودیم که دولت فرانسه به رهبری آقای مکرون، وقتی در روزهای گذشته ژست دمکرات مآبانه گرفت و بانگ برآورد که تصمیم گرفته دولت فلسطین را به رسمیت بشناسد، چگونه ترامپ فاشیست را برآشفست. ترامپ حتی گفت: «آقای مکرون بهتر است دولت فلسطین را در جنوب فرانسه به رسمیت بشناسد!» این موضع گیری فرمالیته ی مکرون چیزی جز پلنکی برای سنجش افکار عمومی نبود. این واکنش به اظهارات مکرون از سوی ترامپ در چهارچوب اظهارات پیشین ترامپ مبنی بر تصرف غزه توسط آمریکا و انتقال ساکنان آن به مکانی دیگر معنا پیدا میکند.

اکنون دیگر ماههاست تداوم نسل کشی برای اسرائیل حتی کمتر از مجرای رویارویی و جنگ با تروریسم حماس و دیگر جک و جانوران اسلامی می گذرد. دیگر ماههاست خود اسرائیل هم در آن ابعاد پیشین روی این جهت کمتر تمرکز دارد که در غزه یا خان نویس و رفح... نیروهای تروریستی حماس و جهاد اسلامی را درهم کوبید. نشانه ها حاکی از اینست پروژه حماس و جریانات اسلامیستی کاربردش برای دولت نتانیا هو و شرکایش در این جنگ نیابتی این بود به بهانه مبارزه با تروریسم حماس «پاکسازی قومی» در فلسطین که در خدمت به هدف اصلی همانا "خاورمیانه جدید" میباشد را شروع کنند. اکنون دیگر جنگ دو قطب تروریستی دولتی اسرائیل و شرکایش و تروریسم اسلامیستی های نظیر حماس فاز ثانویست و فلسفه وجودی آن رو به تغییر است. بخشی از جامعه فلسطین را اگر نیروهای تروریستی حماس به گروگان گرفته اند و از طرف این دو قطب تروریستی هست و نیستشان نابود شده، بخش دیگر جامعه فلسطین که خارج از هژمونی نیروهای حماس هستند و اسیر گرسنگی و قحطی و نبود امکاناتی ابتدائی جهت ادامه حیات میباشد همینطور به شیوه بیرحمانه از سوی دولت فاشیستی اسرائیل و نیروهای نظامی آمریکا کشتار می شوند. در روز روشن و جلو چشم بشریت، کودکان و زنان و پیر و جوان را که بخاطر نبود تغذیه دچار سوء هاضمه شده و تدریجی جان می سپارند، تنها برای یک وعده غذایی به رگبار گلوله می بندند یا به اسارت می گیرند. بمعنای دیگر اسرائیل با حمایت دول غربی و در راستای آمریکا دو جبهه را برای پاکسازی شهرهای فلسطین باز کرده اند. یکی جبهه جنگ تروریسم دولتی با تروریسم حماس، و دیگری جبهه فعال کشتار هر روزه از طریق اعمال قحطی و گرسنگی. باز نمودن جبهه ای دیگر پاکسازی در حین دریافت یک وعده غذایی برای ادامه حیات در مراکز توزیع غذا ننگیست بر پیشانی این دولتها و بشریتی که در برابر آن تنها نظارگری خاموش است.

بوژه طی ماههای گذشته، جدا از جنایتی که از طریق بمباران خانه های مسکونی، اگر خانه ای پا برجا مانده باشد انجام گرفته، جدا از بمباران بیمارستانهایی که زخمیها و کودکان و جوانان و سالخوردگان بدلیل سوء تغذیه آنجا بستری بوده اند، جدا از بمباران آلاچیق هایی و حتی چادرها در کمپ های سازمان ملل، اکنون گرسنگان در صف غذا از سوی نیروهای اشغالگر اسرائیل و آمریکا به رگبار بسته می شوند.

اعتراضات صف آزادیخواهی و برابر طلبی و در راستای پرولتاریای جهانی تا به امروز با چنان سنبه پر زوری علیه وضع موجود به مصاف نیامده تا این تعرض افسارگسیخته معماران نسل کشی در فلسطین را لجام بزند، این یک. دوم دولتها و نهاد و سازمانهای دولتی و غیر دولتی هم اگر در برابر این تعرض سکوت نکرده باشند، اعتراضاتشان به این پاکسازی به هیچ وجه در سطحی نبوده که کارساز باشد. و حتی «دادگاه لاهه» و «تلاویو» که به اصطلاح باید مستقل از دولتها عمل کنند و بعنوان نهادهای حقوقی از ارزشهای جهانشمول بشریت بدفاع برخیزند نیز نشان داده اند در این روند بنوعی جانبدار هستند. تا جائیکه دولت آمریکا به رهبری ترامپ بسادگی در جلسه «دادگاه تل آویو» جهت رسیدگی به اتهام فساد و سوء استفاده مالی نه بعنوان مجری این پاکسازی و جنایت علیه بشریت محاکمه شد، به شیوه غیر معمول سفیر دولت آمریکا «مایک هاکی» در حین اینکه عروسک «باگربانی» را در دست داشت در جلسه دادگاهی نتایهاو حضور یافت. به بهانه اینکه حامل پیام امنیتی از سوی ایالات متحده آمریکا برای شخص نتانیاهاوست و به این شیوه روند دادگاهی این فاشیست و ژندارم منطقه ای آمریکا را به سخره گرفت و اذعان داشت این اقدامش از نظر آمریکا "باطل کردن جادو علیه سیاستمداران" محسوب میشود.

دولت نتایهاو بدون حمایت مستقیم و غیرمستقیم دولت آمریکا و شرکایش نمی توانست در چنین ابعاد دهشتناک به پاکسازی مردم در فلسطین دست بزند که اکنون بشریت در برابر آن خاموش است.

دولت فاشیست نتانیاهاو فقط دشمن قسم خورده مردم فلسطین نیست، بلکه دشمن طبقه ی کارگر و فرودستان اسرائیل نیز هست. سالهاست این رژیم فاشیستی در جنگی فرسایشی و ضدکارگری، در تلاش است تا روند مبارزات پیشرو کارگری و صف نیروهای آزادیخواه داخل اسرائیل را نیز کند و تضعیف نماید. اینکه تاکنون طبقه ی کارگر و اقشار فرودست در اسرائیل نتوانسته اند موازنه قوا را به نفع خود تغییر دهند و سایه این رژیم فاشیستی را از سر خود بردارند، باعث شده نتانیاهاو با پشتگرمی به حمایت آمریکا و متحدانش، تعرض منطقه ای اش را بی مهار گسترش دهد و حتی مخالفان داخلی اش را با قساوت سرکوب کند.

کارگران، کمونیست ها و نیروهای مترقی در اسرائیل، با وجود وضعیت دهشتناک کنونی، نباید از این وظیفه ی تاریخی غافل بمانند: رهایی واقعی، در گرو بمیدان آمدن قهرآمیز علیه رژیم فاشیستی اسرائیل است. هر اندازه که طبقه ی کارگر و فرودستان اسرائیل در برابر این رژیم متحدتر و سازمان یافته تر به میدان بیایند، مردم فلسطین نیز می توانند برغم فجایع و نسل کشی که علیه آنها اعمال گشته، امیدی برای حیات دوباره باز یابند و تجدید قوا کنند؛ و این، ضرورتی است که دیر یا زود باید تحقق یابد.

در این مسیر، دو گام عاجل باید برداشته شود:

گام اول:

اعتصابات هماهنگ و سازمان یافته ی کارگران در بخش های کلیدی اروپا و آمریکا،... به ویژه با هدف توقف فوری نسل کشی؛ و مهار زدن میلیتاریسم با ابتکار عمل بستن کارخانه های اسلحه سازی، بنادر ارسال تجهیزات جنگی، و مسدود کردن شاهراه های تسلیحاتی و نظامی. این اقدامات، که طی سال های اخیر به صورت سمبلیک در ایتالیا و اسپانیا و یونان انجام شده، باید به حرکت هایی هدفمند و مؤثر تبدیل شوند.

گام دوم:

با اتکا به این همبستگی بین المللی، مبارزات طبقه ی کارگر و توده های فرودست در اسرائیل علیه رژیم فاشیستی نتانیاهاو نیز جان تازه ای خواهد گرفت. نتیجه ی الفور آن متوقف نمودن روند نسل کشی کشتار، قحطی، گرسنگی، آوارگی کنونی در فلسطین میباشد، و فضایی برای بازسازی طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه در دو سوی مرزهای ایجاد نماید؛ تا در یک بستر آزاد و برابر، نیروهای ارتجاعی ناسیونالیستی و مذهبی چون حماس، جهاد اسلامی، فتح و امثالهم را که دهه هاست تحت لوای «دفاع از مردم فلسطین» زندگی و معیشت توده های ستمدیده را تهدید و گرو گرفته اند، کنار زده و دست دولتهای فاشیستی اسرائیل و شرکایش را نیز از سر جامعه در اسرائیل و فلسطین کوتاه نمود و بسوی کسب قدرت سیاسی سازمان یافته گام بردارند.

طبقه ی کارگر و ستمدیدگان اسرائیل و فلسطین می توانند ضامن تحقق این افق باشند؛ افقی برای زندگی شایسته انسان امروز فارغ از جنگ و میلیتاریزم کنونی، افقی بدون تبعیض نژادی، قومی و مذهبی به روی جامعه اسرائیل و فلسطین بگشایند.

30.07.2025